



## پیشگفتار

فکر نگهداری و پرورش حیوانات، نیاز به علوفه و شرایط طبیعی (محیطی) مساعد برای حفظ و پرورش دام چون: اقلیم مناسب، آب و مرتع کافی و سکونت در محیطهای نامساعد به صورت فصلی پدیدهٔ کوچ را فراهم نموده است.

در زندگی کوچ‌نشینی برخلاف یکجانشینی به ویژه شهرنشینی، بخش عمده‌ای از فعالیت انسان، حول محور تلاش جسمانی در رابطه مستقیم با محیط جغرافیایی دور می‌زند. در این فرآیند، انسان از یک طرف و عمل دام و مرتع از طرف دیگر اساس و مبنای زندگی کوچ‌نشینی را تشکیل می‌دهند. انسان کوچ‌نشین، با بکارگیری دام به عنوان سرمایه و بکار انداختن نیروی جسمانی او در فرایند تولید قرار می‌گیرد.

زندگی کوچ‌نشینی در جهان از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. در نواحی مختلف کرهٔ زمین از دوازده هزار سال پیش، به خصوص آسیای جنوب غربی، مرکزی، جنوب شرقی و شمال آفریقا به جهت محدودیتها و تنگناهای محیطی برای سایر فعالیتهای مبتنی بر شیوهٔ معیشت یکجانشینی، آشنایی، انس و الفت انسان با حیوان در حین شکار و فکر اهلی کردن آنها و غیره چنین شیوهٔ معیشتی به چشم می‌خورد.

کشور ما بنا به موقعیت جغرافیایی خاص خود به ویژه از سمت شمال و شمال‌شرقی که مداخل ورود اقوام کوچ‌نشین بوده، سرزمینی است که از همان ابتدا این پدیده را لمس کرده است. از این رو یکی از مهمترین مناطق کوچ‌نشین جهان محسوب می‌شود.

به طور کلی سابقه کوچ‌نشینی در ایران به بیش از هشت هزار سال پیش می‌رسد و آثار به دست آمده در جنوب غربی ایران، مؤید این مطلب است.

بنابراین ایران سرزمینی است که با کوچ‌نشینی آشنا بوده و از گذشته تاکنون علی‌رغم کاهش جمعیت آنها در مقایسه با یکجانشینان، به عنوان سومین جامعه پذیرفته شدهٔ این کشور در کنار روستانشینان و شهرنشینان به شمار می‌روند.

متأسفانه این جامعه کم جمعیت و پراکنده در سرتاسر این سرزمین در ارکان اصلی سه‌گانه خود یعنی انسان، دام و مرتع با مشکل مواجه است.

در این مقاله سعی بر این است تا با بهره‌گیری از نظریات، تجربیات و منابع و اطلاعات آماری، به بررسی ضرورت تحول شیوهٔ موجود کوچ‌نشینی در ایران به رمه‌گردانی (ترانس‌هومانس) در جهت بهره‌مندی از امکانات و خدمات زیربنایی و رفاهی لازم و شگرفایی اقتصادی به منظور توسعهٔ هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور پرداخته شود.

در این راستا ابتدا به اجمال به ارائه برخی از مشخصات و تنگناهای کوچ‌نشینان اشاره شده و سپس به بررسی رمه‌گردانی (ترانس‌هومانس) و نقش آن در ابعاد مختلف زندگی کوچ‌نشینان پرداخته شده است.

# تحلیلی جغرافیایی

## پیرامون ضرورت

## تحول شیوهٔ

## موجود کوچ‌نشینی

## در ایران

## به

## ترانس‌هومانس<sup>۱</sup>

نگارش: نصراله مولایی هشجین<sup>۲</sup>  
گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

## برخی مشخصات و تنگناهای کوچ‌نشینان ایران

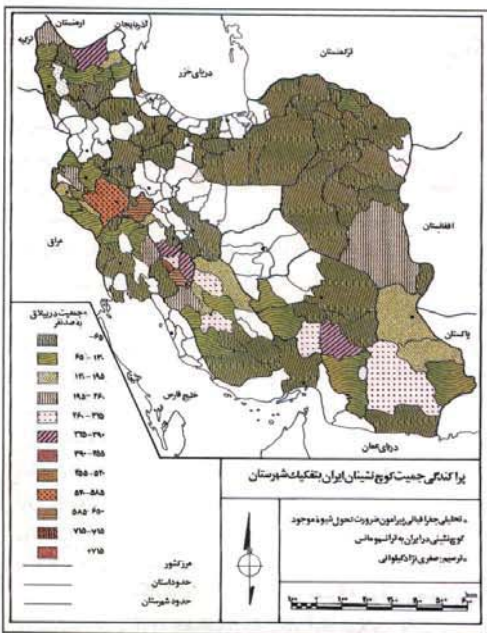
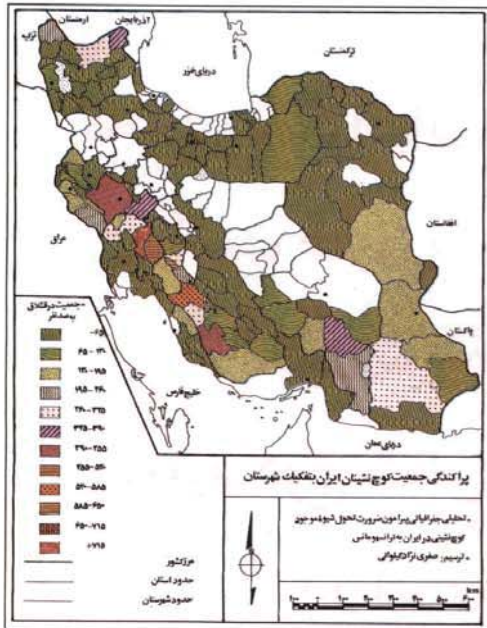
ایران بین ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض شمالی و ۴۴ تا ۶۳ درجه طول شرقی واقع شده و وسعتی بالغ بر ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع را شامل می‌شود. کوهستانی بودن و استقرار در منطقه خشک از خصوصیات این سرزمین به شمار می‌رود، به طوری که با ارتفاع متوسط یک هزار متر از سطح دریا به شکل یک کاسه است. هر چه از مرکز به حواشی حرکت نمایم بر ارتفاع آن که به صورت نامنظمی قرار گرفته‌اند اضافه می‌شود. ارتفاعات البرز و زاگرس در شمال و غرب با انشعابات زیاد خود، توده‌های بزرگی را تشکیل می‌دهند و تاثیر ناهمواریها بر دیگر عوامل جغرافیایی نظیر: اقلیم، آب، خاک، پوشش گیاهی و در نهایت اشکال مختلف معیشت به ویژه بهره‌کشی از زمین (دامداری، زراعت، باغداری و ...) واضح و روشن است.

با توجه به عوامل موثر در زندگی کوچ‌نشینان و علل آن ۵ در آن دسته از نواحی که امکان فعالتهای یکجانشینی به واسطه نبود خاک مساعد و کافی، اراضی هموار و وسیع، آب قابل استفاده و شرایط زیست مناسب به طور دائمی فراهم نیست، شیوه کوچ‌نشینان رواج پیدا کرده است. بنابراین علت وجودی و دوام و بقای کوچ‌نشینان از گذشته تا به حال علی‌رغم ایجاد موانع و فشارهای مختلف، در جهت اسکان (تخته قابو کردن) و نابودی این قشر، بسیار قوی بوده و ریشه در محیط جغرافیایی (طبیعی) و تاریخ این کشور دارد.

بر اساس نتایج تفصیلی سرشماری سراسری عشایر کوفته‌ده در سال ۱۳۶۶ شمسی کوچ‌نشینان کشور از تعداد ۹۶ ایل و ۵۴۷ طایفه مستقل تشکیل یافته بودند که با ۱۸۰۲۳۳ هزار خانوار و جمعیتی بالغ بر ۱۱۵۲۰۹۹ میلیون نفر، حدود ۲/۵ درصد از کل جمعیت کشور را در برمی‌گیرد. ۶ جمعیت کوچ‌نشینان کشور در این سال و در مقایسه با سالهای گذشته کاهش را نشان می‌دهد. به طوری که جمعیت عشایری ایران در سال ۱۳۴۵ شمسی بالغ بر ۶۳۶۹۱۱ هزار خانوار ۷ بوده است. یعنی طرف ۲۱ سال به کمتر از ۱/۳ تقلیل یافته است و اگر قبول کنیم که به هر دلیل در رژیم گذشته آمار خانوارهای عشایری کم شماری شده، در این صورت تعداد خانوارهای عشایری طرف ۲۱ سال حداقل به ۱/۴ خود رسیده است<sup>۸</sup> که این امر از یک طرف بیانگر وجود تنگناها و مشکلات آنها است که موجبات کاهش تعداد عشایر را فراهم نموده و از طرف دیگر نشانه نابودی این جامعه محروم از حداقل امکانات می‌باشد.

به‌رغم کمی تعداد جمعیت عشایری، بررسی توزیع کوچ‌نشینان کشور، نشان می‌دهد که از مجموع استانها، شهرستانها، بخشها و دهستانهای کشور، عشایر به ترتیب در نسبت ۹۲ درصد، ۷۰ درصد، ۶۲ درصد و ۴۰ درصد پراکنده شده‌اند. بدین ترتیب توزیع و پراکندگی کوچ‌نشینان با جمعیت محدودشان، در قلمروهای بیلابقی و قشلاقی، مشکلات عدیده‌ای را از نظر برخورداری از امکانات و خدمات زیربنایی و رفاهی فراهم نموده است.<sup>۹</sup>

شماره‌ها نشان دهنده ردیف استانهای عشایری در جدول ۱ و ۲ می‌باشد.





جدول (۱) توزیع جمعیت کوچ‌نشینان کشور در استانها  
به تفکیک شهرستان، بخش و دهستان در سال ۱۳۶۶ شمسی\*

ردیف	استان	تعداد شهرستان			تعداد بخش			تعداد دهستان		
		جمع	عشایری	درصد	جمع	عشایری	درصد	جمع	عشایری	درصد
۱	کل کشور	۱۹۶	۱۳۷	۷۰	۵۰۰	۳۱۱	۶۲	۲۰۶۱	۸۳۳	۴۰
۲	آذربایجان شرقی	۱۱	۱۰	۹۱	۳۴	۲۸	۸۲	۱۸۲	۶۲	۳۴
۳	آذربایجان غربی	۹	۸	۸۹	۱۹	۱۶	۸۴	۹۶	۴۴	۴۶
۴	اصفهان	۱۵	۵	۳۳	۲۷	۶	۲۲	۱۱۰	۱۲	۱۱
۵	ایلام	۵	۵	۱۰۰	۱۳	۱۳	۱۰۰	۳۴	۳۴	۱۰۰
۶	کرمانشاه	۸	۸	۱۰۰	۱۷	۱۵	۸۸	۷۶	۵۰	۶۶
۷	بوشهر	۷	۶	۸۶	۱۶	۷	۴۴	۳۰	۱۲	۴۰
۸	تهران	۷	۷	۱۰۰	۲۴	۲۲	۹۲	۶۸	۳۰	۴۴
۹	چهارمحال و بختیاری	۴	۴	۱۰۰	۸	۷	۸۸	۲۸	۱۷	۶۱
۱۰	خراسان	۱۷	۱۵	۸۸	۵۳	۳۷	۶۹	۲۱۲	۹۸	۴۶
۱۱	خوزستان	۱۳	۱۲	۹۲	۳۰	۲۴	۸۰	۱۰۹	۶۹	۶۳
۱۲	زنجان	۵	۳	۶۰	۱۴	۶	۴۳	۷۳	۱۰	۱۴
۱۳	سمنان	۴	۴	۱۰۰	۱۰	۹	۹۰	۲۵	۲۵	۱۰۰
۱۴	سیستان و بلوچستان	۶	۶	۱۰۰	۲۳	۲۱	۹۱	۹۰	۶۶	۷۳
۱۵	فارس	۱۴	۱۴	۱۰۰	۳۷	۳۶	۹۷	۱۷۱	۹۲	۵۴
۱۶	کرمان	۱۰	۸	۸۰	۲۳	۱۷	۷۴	۱۳۵	۷۸	۵۸
۱۷	کهگیلویه و بویراحمد	۳	۳	۱۰۰	۸	۸	۱۰۰	۳۳	۱۶	۳۸/۵
۱۸	گیلان	۱۱	۳	۲۷	۲۲	۴	۱۸	۹۴	۶	۶/۵
۱۹	لرستان	۳	۳	۱۰۰	۱۶	۱۵	۹۴	۷۰	۵۵	۷۹
۲۰	مازندران	۱۵	۶	۴۰	۳۶	۹	۲۵	۱۳۳	۱۲	۹
۲۱	مرکزی	۸	۱	۱۲/۵	۱۳	۴	۳۱	۵۸	۶	۱۰
۲۲	هرمزگان	۶	۲	۳۳	۱۷	۴	۲۳/۵	۶۱	۱۰	۱۶/۵
۲۳	همدان	۴	۴	۱۰۰	۱۲	۱۰	۸۳	۶۶	۱۹	۲۹

\* جمعیت عشایری دهستانهای کل کشور - سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده تیرماه سال ۱۳۶۶ شمسی - مرکز آمار ایران -

تیرماه سال ۱۳۶۷ شمسی

می‌باشد.<sup>۱۰</sup>

تنها ۲۷ درصد از جمعیت بالای شش سال کوچ‌نشینان، باسواد بوده و این رقم در سنین بالای ۲۴ سال به  $\frac{۱}{۲}$  تقلیل می‌یابد. علاوه بر این، از نظر سواد تفاوت فاحشی بین مردان و زنان دیده می‌شود، به طوری که میزان باسوادی در میان زنان، کمتر از  $\frac{۱}{۳}$  مردان است. عواملی چون: شیوه خاص زندگی کوچ‌نشینان، ضرورت استفاده از نیروی کار کودکان و نبود امکانات آموزشی در قلمرو بیلابلی و قشلاقی و غیره، در پایین بودن میزان سواد موثر است. از مجموع جمعیت (۶ تا ۲۴) ساله عشایر کوچنده، ۲۸ درصد در حال تحصیل بوده که این میزان از  $\frac{۴۱}{۳}$  درصد در سنین (۱۱ تا ۱۴) سال تا ۶ درصد در سنین ۱۹ تا ۲۴ سال در حال نوسان بوده است.<sup>۱۱</sup>

■ آب آشامیدنی مناسب و بهداشتی در هر دو منطقه بیلابلی و قشلاقی وجود ندارد. به طوری که کوچ‌نشینان عموماً از آبهای سطحی چون رودخانه‌ها،

با توجه به نقش موثر زنان در اقتصاد کوچ‌نشینان، نسبت جنسی عشایر برخلاف یکجانشینان بسیار بالا است. (به طور متوسط ۱۰۸ و در سنین ۶۵ سال و بیشتر معادل ۱۵۰ می‌باشد). بدین معنی که در مقابل هر صد نفر زن، صد و پنجاه نفر مرد وجود دارد. و این در حالی است که در جوامع یکجانشین به ویژه جوامع شهری نسبت جنسی با افزایش سن به ویژه در سنین ۶۵ سال و بیشتر به کمتر از ۱۰۰ سال می‌رسد. عواملی چون تقسیم کار، بهداشت و درمان، مولد زیاد و زایمانهای مکرر، ازدواجهای زودرس و غیره در بالا بودن نسبت جنسی در سنین مختلف در بین کوچ‌نشینان موثر است. همچنین بررسی ساختمان سنی جمعیت عشایر براساس آمارهای موجود، نشان می‌دهد که جمعیت کوچ‌نشینان کشور از ساختار بسیار جوانی برخوردار است. به طوری که ۵۱ درصد از افراد، کمتر از ۱۵ سال داشته و میانه سنی جمعیت، نزدیک به حدود ۱۴/۵ سال





## جدول شماره (۲) تعداد و درصد جمعیت کوچ‌نشین ایران به تفکیک استان در سال ۱۳۶۶ شمسی ۱۲

ردیف	استان	جمعیت منطقه بیلاقی		جمعیت منطقه قشلاقی	
		خانوار	مردوزن	خانوار	مردوزن
۱	کل کشور	۱۸۰۲۳۳	۱۱۵۲۰۹۹	۱۸۰۲۳۳	۱۱۵۲۰۹۹
۲	آذربایجان شرقی	۱۱۴۱۹	۸۵۸۳۵	۱۱۰۲۱	۸۲۶۳۳
۳	آذربایجان غربی	۷۵۹۹	۶۱۶۲۵	۷۹۶۴	۶۴۷۲۱
۴	اصفهان	۷۸۸۲	۵۳۰۲۲	۸۶۱	۵۱۰۹
۵	ایلام	۸۵۷۳	۶۲۹۸۲	۱۰۰۲۹	۷۳۲۹۴
۶	کرمانشاه	۵۶۷۴	۵۱۹۹۲	۷۰۱۶	۲۷۲۹۱
۷	بوشهر	۰	۰	۲۸۳۷	۱۸۶۰۱
۸	تهران	۱۲۶۰	۸۲۷۹	۹۳۸	۷۰۳۵
۹	چهارمحال و بختیاری	۲۱۰۲۵	۱۳۶۶۹۱	۶۶/۳۳	۲۱۱۱۵
۱۰	خراسان	۹۰۷۷	۵۰۶۲۳	۶۷۱۳	۳۵۹۷۳
۱۱	خوزستان	۶۲۷۷	۴۰۵۲۳	۲۸۰۵۱	۱۸۶۸۸۵
۱۲	زنجان	۱۰۹۳	۷۶۵۰	۱۰۳۵	۷۲۰۴
۱۳	سمنان	۱۶۸۸	۱۰۴۲۷	۲۴۰۹	۱۴۶۸۹
۱۴	سیستان و بلوچستان	۱۶۵۳۲	۸۰۷۰۴	۱۷۵۰۹	۸۶۱۲۸
۱۵	فارس	۳۳۷۰۸	۱۵۵۳۱۵	۲۷۲۳۲	۱۷۹۰۱۲
۱۶	کرمان	۱۹۰۹۷	۱۰۶۲۳۰	۱۸۱۰۸	۱۰۰۶۰۵
۱۷	کهگیلویه و بویراحمد	۱۷۳۸۳	۱۱۱۷۶۸	۱۵۶۱۶	۱۰۰۶۸۰
۱۸	گیلان	۳۷۸	۲۶۶۰	۲۵۷	۳۱۷۵
۱۹	لرستان	۱۷۱۸۶	۱۰۹۱۳۶	۱۲۶۲۱	۷۸۲۹۹
۲۰	مازندران	۵۵۷	۳۷۱۴	۱۶۰۱	۱۰۶۴۸
۲۱	مرکزی	۳۵۴	۲۶۸۲	۳۵۷	۲۷۱۷
۲۲	هرمزگان	۲۷۷	۱۵۶۷	۱۲۳۶	۷۱۷۹
۲۳	همدان	۱۱۶۲	۸۱۹۴	۱۳۹	۸۹۰

در منطقه قشلاقی از چادر به عنوان سرپناه استفاده می‌کنند. تنها ۲٪ و ۵۲٪ درصد به ترتیب در مناطق بیلاقی و قشلاقی از ساختمان بهره‌مند بوده و بقیه نیز از چادر و ساختمان استفاده می‌کنند. عدم برخورداری از مسکن مناسب در هر دو منطقه بیلاقی و قشلاقی، به شیوه زندگی عشایر و عدم اسکان دائمی در هر کدام از مناطق مذکور و ... مربوط می‌شود.

■ اشتغال ۵۵ درصد از جمعیت بالای ۶ سال کوچ‌نشینان ایران در فعالیتهای دامداری که اقتصادشان بدان متکی است، کشاورزی به صورت فعالیت جنبی، صنایع دستی سنتی که بیشتر به وسیله زنان عشایر انجام می‌شود، توزیع نابرابر دامها بین خانوارها، محدودیت

مخازن عمومی و نیز چشمه‌ها استفاده می‌کنند و دسترسی به امکانات درمانی و بهداشتی در مناطق مذکور به ویژه در منطقه بیلاقی به واسطه دور بودن از مراکز شهری و روستایی بسیار نامناسب است.

■ از مجموع خانوارهای کوچ‌نشین کشور تنها ۱۴ درصد به وسایل نقلیه‌ای مانند موتورسیکلت و نقلیه باری دسترسی دارند. به طور متوسط حدود ۲۵ درصد خانوارهای عشایری از برخی تسهیلات و امکانات زندگی نظیر: رادیو، به جراغهای نفتی و گازی، چرخ خیاطی و چراغ خوراک پزی برخوردارند.

■ در حدود ۹۴ درصد از خانوارهای کوچ‌نشین کشور در منطقه بیلاقی و ۴۳ درصد

مراعات در مقابل تعداد واحد دامی، بازده کم محصولات و فرآورده‌های دامی و غیره از ویژگیها و مشخصات عمده کوچ‌نشینان کشور به شمار می‌روند.

با توجه به مطالب فوق اهم نتایجهای کوچ‌نشینان ایران را در زمینه ارکان اصلی سه گانه یعنی انسان، دام و مرع می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

- ۱) محدود و مسدود شدن ایل راه‌ها؛
- ۲) نبود و یا کمبود خدمات زیربنایی از قبیل: راه ارتباطی، پست و مخابرات، آب آشامیدنی سالم، شبکه برق و گاز و بهسازی مسکن؛
- ۳) نبود و یا کمبود خدمات رفاهی مانند: خدمات بهداشتی و درمانی، آموزشی، اداری و انتظامی، مذهبی و فرهنگی، ورزشی و تفریحی و تجاری و تولیدی؛
- ۴) پراکندگی ایلات و طوایف در سطح کشور در مقیاس استانی، شهرستانی، بخشی و دهستانی؛
- ۵) تنگناها و مشکلات مراعات عشایری به عنوان یکی از ارکان عمده کوچ‌نشینان و عامل اصلی در جابجایی و کوچ منظم سالیانه در مناطق بیلاقی و قشلاقی؛
- ۶) مشکلات اقتصادی به ویژه دامداری، به عنوان مهمترین فعالیت اقتصادی کوچ‌نشینان و فعالیتهای جنبی و مکمل، نظیر: کشاورزی (به غیر از دامداری)، صنایع دستی و صنایع سبک و کوچک، فعالیتهای متفرقه و نیز روابط و پیوند اقتصادی آنها با خود عشایر و یکجانشینان.

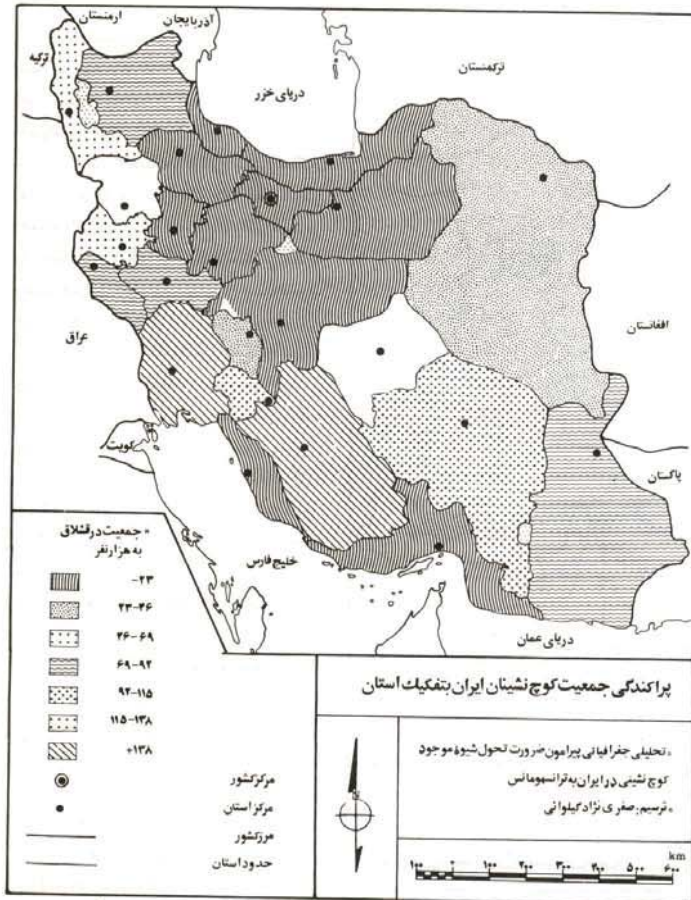
### ترانس‌هومانس (Transhumance) و نقش آن:

در زمینه زندگی کوچ‌نشین، از سوی صاحب نظران، دیدگاههای مختلفی ارائه می‌شود که مهمترین آنها راه ادامه شیوه موجود کوچ‌نشین، اسکان و خاتمه دادن به این نحوه زندگی با تمام مشکلات و تنگناهای موجود از گذشته تا بحال و تحول شیوه موجود کوچ‌نشین تشکیل می‌دهند.

کاهش نفوذ تعداد جمعیت عشایر به ویژه در چند دهه اخیر که از آنها به عنوان قشری که حتی از حداقل امکانات لازم برای هر انسان







و موی گوسفند و بز و غیره از درآمد بالا و در نهایت سطح زندگی بالاتر از وضع فعلی برخوردار باشند. هم چنین گذار از تولیدات لبنی (شیوه موجود) به تولیدات گوشت و پشم منافعی را به شرح زیر به دنبال دارد ۱۵

- مصرف گوشت در مقایسه با تولیدات لبنی عمومیت بیشتری دارد و به جهت مصرف همگانی گوشت برخلاف روغن گوسفند که مهمترین تولید لبنی کوچ نشینان کشور است و امروزه گوشت، یکی از واردات عمده کشورهای از خارج می باشد.

- با اختصاص دادن تمامی شیر فش ها و ویژه با بره ها و بزغاله ها تا اندازه ای جلوی

(۷) رواج و گسترش دامهای گوشتی و پشمی و یا ترکیبی از این دونوع، برخلاف شیوه موجود این امر اولاً امکان سکونت زنان و کودکان عشایری در منطقه قشلاقی را فراهم خواهد نمود. ثانیاً در این صورت کوچ نشینان با صرف نیروی کار با هزینه پایین تر نسبت به دامداری موجود و پرورش کنترل شدن دامها و اصلاح آنها حداقل از طریق استفاده از دامهائی که در میان دامهای بومی، نژاد بهتری محسوب می شوند و نیز با شرایط اقلیمی نواحی مورد نظر سازگار هستند و خواهند توانست با فروش بیشتر دامهای گوشتی و برخی فرآورده های آن نظیر: رانندزای صنایع دستی با استفاده از پشم

(۴) فراهم شدن آموزش کوچ نشینان و ارتقای کمی و کیفی سطح آموزش در منطقه قشلاق به عنوان سکونتگاه دایمی از طریق ارتباط فعال با شهرها و روستاهای ناحیه و آماده نمودن فرزندان عشایری در آینده نه چندان دور جهت دست گرفتن آموزش عشایر در کلیه مقاطع تحصیلی، قبل از دانشگاه به صورت رسمی و نیز آموزش غیررسمی آنها، از افراد لازم التعلیم که امکان حضور در مدارس را پیدا نکرده اند تا بزرگسالان محروم از آموزش و سواد در هر دو جنس زن و مرد که این امر مورد افزایش میزان پاسوادی در بین زنان و در نهایت پرشدن فاصله زیاد بین مردان و زنان خواهد شد.

(۵) استقرار مراکز بهداشتی و درمانی به ویژه در سکونتگاههای دایمی و تقویت این مراکز از طریق ارتباط با شهرها که بسیاری از مشکلات جمعیتی کوچ نشینان از نظر مرگ و میر در سنین مختلف، تفاوت مرگ و میر بین دو جنس مرد و زن و بالا بودن میزان مرگ و میر زنان به ویژه در سنین بالا و پایین بودن سطح بهداشت عمومی و فردی کوچ نشینان، پایین بودن امید به زندگی و سن متوسط و میانه سنی و غیره حل خواهد نمود. در رابطه با افراد عشایری که با دامها بین قشلاق و بیلاق در حرکتند و یا موقع فصل گرم سال در بیلاق بسر می برند از طریق ارتباط جاده ای یعنی احداث راههای ماسین رو بین منطقه بیلاقی و قشلاقی و شهرهای نزدیک می توان مشکل بهداشتی و درمانی آنها را حل نمود.

(۶) فراهم شدن امکان استفاده از سکونتگاههای دایمی در منطقه قشلاقی با بهره گیری از مصالح ساختمانی رایج و مناسب، جدایی محل زندگی انسان و حیوان و کاهش بسیاری از بیماریهای ناشی از همجواری انسان و دامها امنیت بخشیدن به سکونتگاهها، برخلاف چادرها و تامین نیازهای سکونتگاهها و اشغال فضای جغرافیایی بنام شهرک عشایری و یا روستای عشایری که تاسیسات زیربنایی نظیر و معابر برق، آب، تلفن، مرکز، خدماتی و تجاری و غیره مربوط به کوچ نشینان را به همراه خواهد داشت.

حمایت سازمانهای مربوط به عشایر و غیره بسیاری از معضلات و مشکلاتی که بدانها اشاره شد، کاهش پیدانموده و امکان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کوچ‌نشینان کشور در کنار جوامع یکجانشین فراهم خواهد شد.

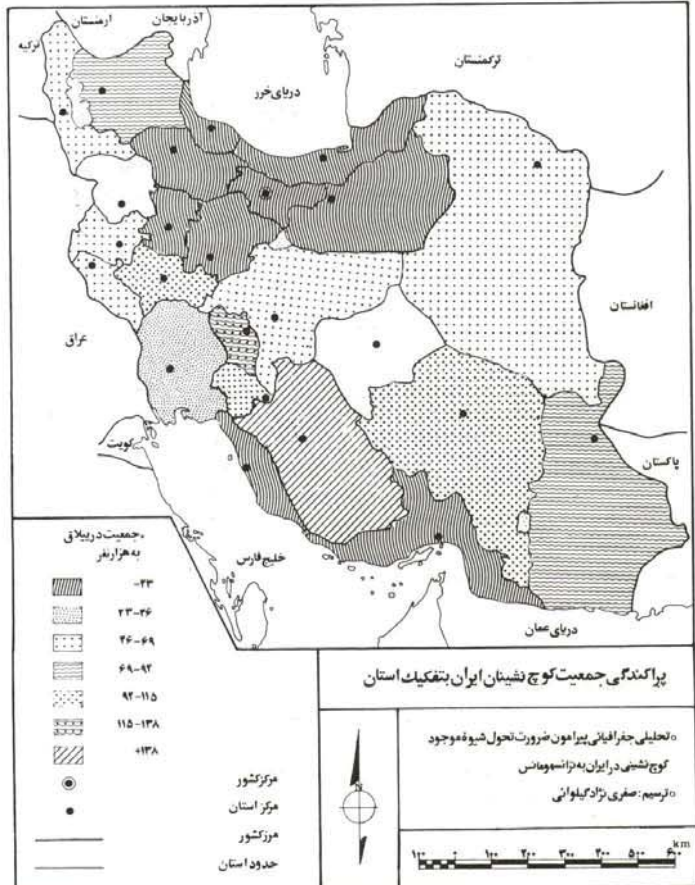
در جهت عملی شدن تحول شیوه موجود کوچ‌نشینی، لازم است طرحهای مطالعاتی در جهت شناخت دقیق و جامع، کوچ‌نشینان صورت گیرد. زیرا شناخت دقیق خصوصیات مختلف کوچ‌نشینان در نواحی مختلف کشور، ارزیابی میزان گرایش آنها به رمه‌گردانی (ترانسوماس) و امکان سنجی نواحی بینه برای عملی نمودن این شکل و اولویت سنجی پس از مطالعات و بررسیهای به عمل آمده کمک موثری به اجرای شکل رمه‌گردانی (ترانسوماس) در کمترین زمان خواهد نمود.

از آنجایی که این شیوه با تحول اقتصادی، معیشتی، سکونت و غیره عشایر به صورت مثبت و بدون از بین بردن کل کوچ‌نشینی برخلاف دیدگاههای قبلی همراه بوده و تنها به تغییر شکل تاکیدی دارد، امکان استقبال کوچ‌نشینان و در نهایت عملی شدن آن بسیار زیاد است.

امید که با مطالعه و بررسی جمعیت کوچ‌نشین کشور و بشردرد محاسن و معایب این شیوه و اشاره به طایفه‌ها و گروههایی که تقریباً به این شکل کوچ‌نشینند نظیر: طایفه دره‌شوری ایسل فشقایی، ایسل سنگسری و کوه‌نشینان تالش بتوان ولو بخش کوچکی از جمعیت کشور را از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه داد. انشاء...

### منابع:

- ۱) جمعیت عشایری دهستانهای کل کشور - سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده - تیرماه سال ۱۳۶۶ شمسی - مرکز آمار ایران تیرماه سال ۱۳۶۸ شمسی
- ۲) تاریخ تفصیلی کل کشور - سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده تیرماه سال ۱۳۶۶ شمسی - مرکز آمار ایران آبان ماه سال ۱۳۶۷ شمسی.
- ۳) مشیری، دکتر سیدرحیم - جغرافیای کوچ‌نشینی



### پراکنندگی جمعیت کوچ‌نشینان ایران بتفکیک استان

- تحلیلی جغرافیایی پیرامون ضرورت تحول شیوه موجود کوچ‌نشینی در ایران به ترانسوماس
- ترسیم: صفری، زاده کیلوانی



افزایش درآمد خانوار و تشویق افرادی که به دامداری به بیلاق و قشلاق را برگزیده اند، شوند.

- با توجه به این که کوچ‌نشینان برای تبدیل شیر به مواد لبنی و بوته‌های جنگلی را قطع می‌کنند و سالانه میلیون‌ها تن هیزم صرف جوشاندن شیر می‌شود. در این شیوه، صرفه‌جویی عظیمی در مصرف هیزم خواهد شد. و کمک بزرگی به احیاء و بازسازی جنگلها و مراتع کشور خواهد بود.

به جرأت می‌توان گفت که عملی شدن این امر با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی، منابع آب و خاک و پوشش گیاهی به ویژه مراتع و

کمبود مواد غذایی دامی را خواهد گرفت و این عمل در بهبود وضع مراتع نیز اثر قابل توجهی خواهد داشت.

- رفع محدودیت زمانی و مکانی که در زمان شیردوشی در شیوه موجود کوچ‌نشینی وجود دارد و دام می‌تواند از فضای حیاتی بیشتری استفاده کند و امکان بهره‌برداری از مراتع نسبتاً دورافتاده کوهستانی حتی ارتفاعات بلندتر از آنچه امروزه مورد بهره‌برداری دامها قرار می‌گیرد به وجود می‌آید.

- در تولید گوشت چون عامل محدود کننده شیردوشی و تبدیل شیر به مواد لبنی وجود ندارد امکان افزایش تعداد متوسط دام و



(مبانی و ایران) - انتشارات سمت - تهران سال ۱۳۷۲ شمسی

(۴) مسائل نوین قبیله‌ای نومیاریزم - مجله علمی پژوهشی دانشنامه - دوره عالی تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، سال اول، شماره ۲، سال ۱۳۶۹ شمسی.

(۵) مولائی هشجین، نصرالله، اقتصاد کوچ‌نشینان ایران - انتشارات دانشگاه پیام نور - سال ۱۳۷۲ شمسی.

(۶) مولائی هشجین، نصرالله - مقدمه‌ای بر کاربرد برنامه‌ریزی در کوچ‌نشینان - مطالعه موردی ایل بختیاری - پایان‌نامه کارشناسی ارشد - استاد راهنما دکتر رحمت‌الله فرهودی - تهران سال ۱۳۶۹ شمسی.

(۷) عشایر استان چهارمحال بختیاری و ضرورت برنامه‌ریزی آن - فصلنامه علمی و فرهنگی - ذخایر انقلاب - شماره ۱۶ سازمان امور عشایری ایران - پاییز سال ۱۳۷۰ شمسی.

(۸) تحلیلی جغرافیایی از جمعیت کوچ‌نشینان استان فارس - هشتمین کنگره جغرافیادانان ایران - دانشگاه اصفهان - سال ۱۳۷۱ شمسی.

(۹) نصرالله، مولائی هشجین: دکتری جغرافیای انسانی - گرایش روستایی و عشایری در حال اتمام رساله دکتری در سال ۱۳۷۶ شمسی، لیسانس جغرافیای انسانی - گرایش عمران ناحیه‌ای - فوق‌لیسانس جغرافیای انسانی و اقتصادی استاد راهنما: آقای دکتر سیدرحیم مشیری.

(۱) سمت و مرتبه دانشگاهی - مرتب پایه ۹ - عضو هیات علمی تمام وقت و مدیر گروه جغرافیا.

(۲) فهرست کتابها و مقالات

## ۱-۲) کتابها

(۱) عملگره دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، سال ۱۳۷۱ شمسی.

(۲) پژوهشی در ساختار جمعیتی منطقه زلزله‌زده رودبار گیلان، انتشارات مؤسسه جغرافیایی و انتشاراتی ارشاد، نایبستان سال ۱۳۷۴ شمسی.

(۳) اقتصاد کوچ‌نشینان ایران - دکتر سید رحیم مشیری - نصرالله مولائی هشجین - دانشگاه پیام نور سال ۱۳۷۲ شمسی.

(۴) دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، سال ۱۳۷۶ شمسی.

## ۲-۲) مقالات:

(۱) عشایر استان چهارمحال و بختیاری و توسعه - سینتار چهارمحال بختیاری و توسعه - سازمان برنامه‌ریزی و بودجه استان چهارمحال بختیاری سال ۱۳۶۹ شمسی.

(۲) تحلیل جغرافیایی از جمعیت کوچ‌نشینان استان فارس - هشتمین کنگره جغرافیادانان ایران - دانشگاه اصفهان سال ۱۳۷۱ شمسی.

(۳) تحلیلی پیرامون تراکم جمعیت در منطقه زلزله‌زده رودبار گیلان، سمینار بررسی مسائل جمعیت ایران، مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز، سال ۱۳۷۲ شمسی.

(۴) پراکندگی جغرافیایی کوچ‌نشینان بختیاری در بیلاق و قشلاق - قسمت اول، فصلنامه علمی، فرهنگی و پژوهشی - پیک پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، سال اول شماره دوم، پاییز سال ۱۳۷۲ شمسی.

(۵) تحلیلی پیرامون برنامه‌های آموزش جغرافیا در دانشگاهها و روشهای بهینه جهت برآورد نمودن نیازهای کشور، اولین سمینار بررسی مسائل آموزش جغرافیا در ایران، دانشگاه تربیت معلم، تهران سال ۱۳۷۲ شمسی.

(۶) بررسی جغرافیایی ساختار جمعیتی منطقه رودبار گیلان در بعد از زلزله ۳۱ خرداد ماه سال ۱۳۶۹ شمسی، هفتمین کنگره جغرافیادانان ایران، دانشگاه تربیت معلم، مهرماه سال ۱۳۷۳ شمسی.

(۷) بررسی مکتب جمعیت شناختی، شهر و شهرنشینی از دیدگاه جغرافیا - هفته‌نامه نقش قلم گیلان - پاییز و زمستان سال ۱۳۷۳ شمسی.

(۸) برنامه‌ریزی توسعه روستایی - سمینار هداری استان گیلان - مهرماه سال ۱۳۷۳ شمسی - استانداری گیلان.

(۹) طرح مطالعات دهستانی (منظور روستایی)

(۱۰) جمعیت و بحران آلودگی هوا - مجله علمی، فنی - سپهر - شماره ۱۶ - زمستان ۷۴ شمسی - سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

## ۲-۳) طرحها

(۱) پژوهشی در ساختار جمعیتی منطقه زلزله زده رودبار گیلان سال ۷۲ - ۷۱ خانمه پانته (مجری طرح).

(۲) بررسی جغرافیایی تحولات جمعیتی غرب گیلان با تکیه بر سیاستهای جمعیتی (تالش و آستارا) در حال اجرای تاریخ اتمام طرح ۷۶/۵/۱۵ (مجری طرح)؛

(۳) طرح ساماندهی روستاهای پراکنده (امکان‌سنجی، تجمع روستاها) شهرستان فومن - در دست اجرا - تاریخ اتمام ۷۶/۴/۲۰ به عنوان همکار طرح؛

(۴) طرح ساماندهی روستاهای پراکنده (امکان‌سنجی، جمع روستاها) شهرستان دوسر (بخش املش) تاریخ اتمام ۷۶/۴/۲۰ در دست اجرا - به عنوان همکار طرح.

## پاورتی:

(۱) آقای دکتر پاپلی‌بزدی در مقاله ارزشمند خود، عنوان گذر از کوچ‌نشین به رعمه گردانی را برداشته و رعمه گردانی را معادل ترانس‌هومانتس Transhumanec در نظر گرفته‌اند.

(۲) در حال تدوین مراحل پایانی رساله دکتری - رشته جغرافیای انسانی با گرایش روستایی و عشایری عضو هیات علمی تمام وقت و مدیر گروه جغرافیا.

(۳) دکتر بدیع، ربیع، جغرافیای مفضل ایران - جلد دوم - جغرافیای انسانی - انتشارات اقبال - تهران.

(۴) دکتر نظری، علی‌اصغر - جغرافیای جمعیت در ایران - انتشارات گیتاشناسی - تهران ۱۳۶۸.

(۵) دکتر مشیری، سید رحیم - جغرافیای کوچ‌نشینان (مبانی و ایران) - انتشارات سمت - تهران سال ۱۳۷۲ شمسی.

(۶) نشریه یافته‌های سرشماری سراسری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور تیرماه ۱۳۶۶ شمسی - مرکز آمار ایران - سال ۱۳۶۸ شمسی.

(۷) دکتر پاپلی‌بزدی، محمدحسین - گذر از کوچ‌نشین به رعمه گردانی - مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی - شماره دوم - دانشگاه فردوسی مشهد

(۸) دکتر پاپلی‌بزدی، محمدحسین - گذر از کوچ‌نشین به رعمه گردانی - مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی - شماره دوم - دانشگاه فردوسی مشهد.

(۹) دکتر مشیری، سید رحیم - مولائی هشجین نصرالله - اقتصاد کوچ‌نشینان ایران - دانشگاه پیام نور - سال ۱۳۶۷ شمسی

(۱۰) دکتر مشیری، سید رحیم - مولائی هشجین نصرالله - اقتصاد کوچ‌نشینان ایران - دانشگاه پیام نور - سال ۱۳۶۷ شمسی

(۱۱) نشریه یافته‌های سرشماری سراسری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور تیرماه سال ۱۳۶۶ شمسی - مرکز آمار ایران - سال ۱۳۶۸ شمسی.

(۱۲) جمعیت عشایری و دهستانهای کل کشور - سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده تیرماه سال ۱۳۶۶ شمسی - مرکز آمار ایران - تیرماه سال ۱۳۶۷ شمسی.

(۱۳) برای اطلاع بیشتر در زمینه رعمه گردانی (ترانس‌هومانتس) و اشکال آن نگاه کنید به: دکتر مشیری، سید رحیم - جغرافیای کوچ‌نشینان (مبانی و ایران) - انتشارات سمت - تهران - سال ۱۳۷۱ شمسی.

(۱۴) مولائی هشجین نصرالله - مقدمه‌ای بر کاربرد برنامه‌ریزی در کوچ‌نشینان مطالعه موردی ایل بختیاری - پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد - استاد راهنمای آقای دکتر رحمت‌الله فرهودی - تهران - سال ۱۳۶۹ شمسی.

(۱۵) محاسن گذر از تولیدات نسبی به تولیدات گروشی از مقاله ارزشمند آقای دکتر محمدحسین پاپلی‌بزدی با عنوان گذر از کوچ‌نشین به رعمه گردانی - مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی - شماره دوم - انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد آورده شده است.